حقوق حیوانات

لزوم افزودن حقوق حیوانات به دروس رشته دامپزشکی

سپهر سلیمی

● چهاردهم مهرماه روز ملی دامپزشکی است. دامپزشکی علمی است برای درمان بیماری‌های حیوانات. در جوامع انسانی طبابت و وکالت دو شاخه کاملا مجزا از هم هستند و آنچه به حقوق انسان‌ها مربوط می‌شود بر عهده حقوق‌دانان است و نه پزشکان اما در حوزه حیوانات توقع جامعه از دامپزشکان این است که علاوه بر درمان حیوانات، حامی حقوق آنها نیز باشند.

اما تا چه حد این توقع درست است و تا چه اندازه جامعه دامپزشکی در جهت حمایت از حقوق حیوانات فعالیت کرده، نکاتی است که جای بحث و تأمل دارد. لازم است در ابتدا آمار و نکته‌ای که قبلا گفته‌ام را بازنشر کنم: هر سال بیش از هزارو ۵۰۰ نفر با مدرک دکترای حرفه‌ای دامپزشکی از دانشگاه‌های کشور فارغ‌التحصیل می‌شوند. بیش از ۳۰ مرکز دانشگاهی و آموزش عالی دامپزشکی در ایران وجود دارد؛ این در حالی است که در کشورهایی مثل استرالیا دو دانشکده، نیوزیلند یک و در کشور انگلستان پنج دانشکده با وجود حجم زیاد تولیدات دامی و طیور و آبزی فعالیت دارند. افزایش شمار دامپزشکان از طرفی می‌تواند باعث افزایش نیروهای متخصص در این حوزه شود و به افزایش سلامت و بهداشت حیوانات کمک کند اما اگر این افزایش بی‌برنامه باشد وجود دامپزشکان بی‌کار می‌تواند به عاملی علیه حقوق حیوانات تبدیل شود و زمینه را برای کسب درآمد از روش‌هایی که به حیوانات آسیب وارد می‌کند فراهم کند.

در کنار این نکته، حوزه فعالیت دامپزشکی به گونه‌ای است که در آن منافع انسان بر منافع حیوان ارجحیت دارد. این یک ابهام تاریخی در حرفه‌ای است که عبارت «حیوان» را در دل خود دارد اما در خدمت «انسان» است. نگاه منفعت‌طلبانه بشر و ایجاد فرصت‌های فراوان شغلی توسط صنعت دامپروری برای دامپزشکان از مهم‌ترین دلایلی است که سبب ایجاد و گسترش این نوع تفکر شده است. صنعت دامپروری، علم دامپزشکی را به استخدام خود درآورده تا حیوانات بیشتر و سالم‌تری تولید کند و از این راه درآمد بیشتری به جیب بزند اما افسوس که در این بین چیزی جز رنج و مرگ عاید حیوانات نمی‌شود.

این دو عامل، یعنی تعداد زیاد دامپزشکان در کنار ترجیح منافع انسان بر حیوان، در کنار شرایط نامطلوب اقتصادی می‌تواند ترکیبی را ایجاد کند که دامپزشکان بیش از هر زمان دیگری از توجه به حقوق حیوانات فاصله بگیرند. با احترام به همه دامپزشکان حیوان‌دوست و متعهد اما شوربختانه باید اذعان کرد در سال‌های اخیر در موارد بسیاری که حقی از حیوانات تضییع شده است نشانی از دامپزشکان دیده می‌شود؛ از باغ وحش‌ها و مراکز نگهداری از حیوانات تا ماجراهای سگ‌کشی در شهرهای بزرگ.

در چنین شرایطی بیش از هر زمانی لزوم افزودن دروسی برای آموزش حقوق حیوانات و مسائل اخلاقی و محیط‌زیستی مرتبط با حیوانات به سرفصل‌های رشته دامپزشکی احساس می‌شود. اعتبار اجتماعی این شغل ارتباط نزدیکی با توجه دامپزشکان به حمایت و حفاظت از حقوق حیوانات دارد. مردم دامپزشکی را که حامی حیوانات نباشد، دوست ندارند.

درباره کتاب «دولت و سیاست اجتماعی در ایران»

گامی برای درک سیاست اجتماعی در نظام سیاسی

نشر آگه کتاب «دولت و سیاست اجتماعی در ایران» را در قطع وزیری، به قیمت ۳۲ هزار تومان وارد بازار کتاب کرد. درگفت‌وگویی که با نویسنده کتاب، خانم دکتر معصومه قاراخانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، ترتیب داده‌ایم، با محتوای کتاب و تحلیل ارائه‌شده از سیاست اجتماعی آشنا خواهیم شد.

کمی درباره ساختار کتاب و هدف آن بگویید؟

این کتاب گامی آغازین برای درک سیاست اجتماعی در نظام سیاسی است که پس از انقلاب بنا داشت تا رفاه و عدالت اجتماعی را محقق کند. مطالعه صرفا ناظر بر نقش دولت‌ها از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ه.ش. در بخش درون‌داد سیاست اجتماعی است. محتوای کتاب معطوف به دو هدف است؛ یکی فهم و افزودن بر دانش سیاست اجتماعی و دیگری، ارائه تحلیل و تصویری علمی از سیاست اجتماعی در ایران. کتاب در شش فصل و یک پیش‌گفتار تنظیم شده است. در فصل نخست به شیوه مقایسه‌ای، رویکردهای اصلی تحلیل سیاست اجتماعی معرفی، نقد و بررسی شده‌اند. فصل دوم به روش‌شناسی تحلیل سیاست اجتماعی می‌پردازد. در اینجا انواع و گستره سیاست و نیز رویکردها به تحلیل سیاست و بالاخره نقش تحلیلگر سیاست به بحث گذاشته شده است. فصل سوم با اتکا به رویکرد دولت یا نهاد محور، درباره ظرفیت نهادی دولت‌ها از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ و توسعه سیاست اجتماعی بحث می‌کند. درباره ظرفیت نهادی دولت در ایران تا زمانی که این مطالعه انجام می‌شد، داده‌هایی وجود نداشت و بخشی از ابتکار این کتاب در محاسبه همین شاخص و کاربست آن در تحلیل است. در فصول بعدی که آنها هم مبتنی‌بر مطالعه تجربی هستند، زیر عنوان، «سیاست آموزش؛ عدالت توزیعی و آموزش همگانی»، «سیاست سلامت؛ پیشگیری یا درمان» و فصل بعدی با عنوان «سیاست مسکن؛ فراگیر و ارزان»، سیاست اجتماعی ایران در سه بُعد آموزش، سلامت و مسکن بر اساس رویکرد سیاسی دولت‌ها در این دوره واکاوی شده است. در بخش پایانی کتاب نیز به کاستی‌های سیاست اجتماعی در هر دو سطح علمی (دانشگاهی و نظری) و عملی (سیاست‌گذاری) در ایران پرداخته و دلایل آن را در سه سطح خرد (ساختار دانشکده‌های علوم اجتماعی)، میانه (ساختار آموزش عالی) و کلان (ساختار اجتماعی) شناسایی و مطرح کرده‌ام.

به طور کلی برداشت شما در این کتاب از سیاست اجتماعی در ایران به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و رفاه چیست؟

همان‌طور که در کتاب خواهید خواند، همه دولت‌ها از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ (یعنی دولت میرحسین موسوی، رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد) که ادعا می‌شود رویکردهای سیاسی متفاوتی دارند، تعریف روشن و مشخصی از عدالت ارائه نداده‌اند، هرچند در شعارهایشان به تأمین عدالت اجتماعی توجه داشته‌اند. هم دولت رفسنجانی که به‌عنوان دولتی با رویکرد لیبرالی اشتهار دارد در برنامه دوم توسعه برقراری عدالت اجتماعی را به‌عنوان یکی از محورهای اساسی برنامه خود اعلام می‌کند و هم دولت اصولگرای احمدی‌نژاد که خود را دولت عدالت‌خواه می‌نامید. بر مبنای مطالعه‌ای که داشته‌ام و مباحث مطرح‌شده، به نظر می‌رسد تشخیص جهت‌گیری دولت‌های چهارگانه در سیاست اجتماعی در بُعد درون‌داد قانونی دشوار است. می‌توان گفت سیاست اجتماعی در ایران را نمی‌توان به آسانی با توجه به رویکردهای سیاسی دولت‌ها توضیح یا با ایدئولوژی‌های رفاهی موجود تطبیق داد. همین ابهام سبب شده تا از یک‌سو اذعان شود که اساسا با نوعی فقدان سیاست اجتماعی در ایران روبه‌رو هستیم و شاهد مثال آن هم استمرار، انباشت و تراکم مسائل اجتماعی در ایران است و از سوی دیگر این ایده تقویت شود که سیاست اجتماعی در میان دولت‌ها هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشته و سیاست‌های آنها همگی در چارچوب آرمان‌گرایی نظام سیاسی و در پیوند با ماهیت دولت بالا به پایین و اعانه‌پرداز است؛ سیاست‌هایی که تاکنون نتوانسته‌اند عدالت اجتماعی و رفاه را که وعده داده بودند به همراه داشته باشند.

شما در این کتاب اشاره کرده‌اید که دولت‌های پس از انقلاب حرکت نظام‌مندی در جهت توسعه سیاست اجتماعی نداشته‌اند. درباره این موضوع بیشتر توضیح دهید؟

حداقل در سه بُعد آموزش، سلامت و مسکن که جزء اصلی‌ترین ابعاد سیاست اجتماعی هستند و من دلایل اهمیت آنها را در کتاب توضیح داده‌ام، می‌توانم بگویم دولت‌ها دچار تناقض و آشفتگی در سیاست اجتماعی هستند و حتی در برخی موارد هیچ سیاست اجتماعی‌ای ندارند و عملا سیاست اجتماعی رها شده است. این وضعیت را نه‌تنها می‌توان به ناآشنایی این دولت‌ها با سیاست اجتماعی به مانند یک پدیده مدرن مربوط دانست، بلکه باید آن را نتیجه آزمون‌وخطای این دولت‌ها در عملکرد سلیقه‌ای و روزمره‌شان دید.

> **همان‌طور که در کتاب خواهید خواند، همه دولت‌ها از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ (یعنی دولت میرحسین موسوی، رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد) که ادعا می‌شود رویکردهای سیاسی متفاوتی دارند، تعریف روشن و مشخصی از عدالت ارائه نداده‌اند، هرچند در شعارهایشان به تأمین عدالت‌اجتماعی توجه داشته‌اند. هم دولت رفسنجانی که به‌عنوان دولتی با رویکرد لیبرالی اشتهار دارد در برنامه دوم توسعه برقراری عدالت اجتماعی را به‌عنوان یکی از محورهای اساسی برنامه خود اعلام می‌کند و هم دولت اصولگرای احمدی‌نژاد که خود را دولت عدالت‌خواه می‌نامید.**

برداشت محدود از مفهوم رفاه در کنار درک نادقیق و غیرشفاف از عدالت اجتماعی، با وجود صرف منابع و هزینه‌های اجتماعی، بیشتر به ناکارآمدی سیاست‌های رفاهی موجود نیز انجامیده است، درحالی‌که انتظار می‌رود متناسب با تغییر نوع و ماهیت مطالبات مردم، سیاست‌گذار نیز با تغییر رویکرد نسبت به حقوق شهروندی و چرخش گفتمانی از معنای حداقلی رفاه، مفهوم چندبُعدی سیاست اجتماعی را در دستور کار قرار دهد. رویکرد حداقلی به رفاه که با افزایش آگاهی مردم نسبت به حقوق و مطالباتشان هم‌زمان شده است، سبب می‌شود تا انتظار واکنش نسبت به ماهیت و میزان عرضه خدمات ارائه‌شده بیشتر شود. اما شواهد نشان‌دهنده بی‌تفاوتی یا فقدان پیوند ارگانیک میان مطالبات مردم و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی است.

نقش پژوهشگران و روشنفکران را در ارتباط با توسعه سیاست اجتماعی در ایران چگونه ارزیابی کرده‌اید؟

به عقیده من فقدان گفتمان روشنفکری درباره سیاست اجتماعی از دلایل امتناع سیاست اجتماعی در سطح کلان است که هم می‌توان آن را به عنوان علت و نیز معلول تلقی کرد. فقدان گفتمان سیاست اجتماعی در عرصه عملی و نظری در بین سیاست‌گذاران و نیز پژوهشگران نه تنها به فقر آکادمیک این رشته منجر شده، بلکه به ضعف بنیه علمی و اجرائی سیاست اجتماعی در کل انجامیده است. اگرچه گفتمان عدالت، گفتمان رایج پس از انقلاب بوده است و «ریشه‌کنی فقر» نیز به عنوان یکی از مسائل اجتماعی ایران در گفتمان سیاسی مطرح می‌شود، اما به این موضوعات در فضای روشنفکری ایران توجه چندانی نمی‌شود. به نظر می‌رسد درگیری ذهنی روشنفکری در ایران فراتر از دغدغه‌های اولیه زندگی روزمره انسان ایرانی است. به طور کلی، می‌توان گفت روشنفکران به عنوان واسط میان مردم و نظام سیاسی در موضوع سیاست اجتماعی نقش چندانی برعهده ندارند.

در سطح اجرائی و سیاست‌گذاری نیز ضعف گفتمان‌های مرتبط با سیاست‌گذاری اجتماعی که به نظرم یکی از ویژگی‌های فضای سیاست‌گذاری در ایران است، سبب شده برخی از مسائل اجتماعی به مثابه مسئله تعریف نشده و به آن توجه نشود یا درباره مسئله‌مندی پاره‌ای از موضوعات نیز اتفاق نظری بین پژوهشگران و دانشگاهیان و دو گروه یادشده با سیاست‌گذاران به وجود نیاید. حتی در برخی موارد تفاهم کم‌رنگی میان سیاست‌گذاران و پژوهشگران درباره برخی از مسائل اجتماعی وجود دارد. در موارد متعدد نیز صورت‌بندی مفهومی، نظری و عملی دقیقی از موضوعاتی که هدف سیاست‌گذاری اجتماعی هستند، ارائه نمی‌شود. شکاف میان عرصه سیاست‌گذاری و مباحث نظری در این حوزه و نیز فقدان گفت و شنود میان پژوهشگران، سیاست‌گذاران و مجریان سیاست‌ها از ویژگی‌های بارز سیاست‌گذاری در ایران به‌ویژه در حوزه‌های اجتماعی است. در حالی که روبه‌روشدن با چالش‌های اجتماعی مستلزم توجه به اهمیت اتخاذ سیاست‌های اجتماعی مناسب از سوی کارگزاران عرصه سیاست‌گذاری و تأمین‌کنندگان خدمات اجتماعی و رفاهی است.

درباره حساسیت دولت‌ها به سیاست اجتماعی چه می‌گویید؟

سیاست اجتماعی ظرفیت ویژه‌ای برای ارائه روایتی خردمندانه از پویایی‌های سیاسی و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. هنگامی که برقراری رفاه و عدالت اجتماعی یکی از وظایف نظام سیاسی به شمار می‌رود و بخش عمده‌ای از مقبولیت نظام سیاسی به کیفیت حکمرانی آن مربوط است، درک چگونگی سیاست اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است. آنچه دولت‌ها را با بحران مقبولیت روبه‌رو می‌کند و آن را از قرارگرفتن در مسیر توسعه همه‌جانبه بازخواهد داشت، ناکامی آن در برآوردن نیازهایی است که امروزه در دنیا به عنوان سیاست‌های اجتماعی شناخته می‌شوند. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که دقت داشته باشیم گسترش نقش و دخالت دولت در توزیع منابع و خدمات از یک سو و افزایش مطالبات مردم در بهره‌مندی از انواع خدمات دولتی از سوی دیگر، حساسیت نسبت به عملکرد دولت و کارایی آن را بیشتر می‌کند. البته در اینجا لازم می‌دانم با توجه به ساختار سیاسی در ایران، اشاره کنم مسئله سیاست اجتماعی در ایران تنها محدود به دولت نیست. پاسخ‌دادن به مطالبات شهروندان و تحقق توسعه سیاست اجتماعی نه فقط در دست دولت و وظیفه دولت، بلکه بر عهده کل نظام سیاسی در ایران است.

در پایان نکته‌ای هست که بخواهید به آن اشاره کنید؟

آنچه من پس از گذشت ۱۰ سال مطالعه درباره سیاست اجتماعی در ایران می‌توانم ادعا کنم این است که سیاست اجتماعی هنوز به عنوان یک ضرورت و نیاز ملی مورد توجه قرار نگرفته است و سیاست‌های موجود نیز به شکلی نابسامان و پراکنده هستند و در مواردی منافع ملی را به خطر انداخته‌اند. این سیاست‌ها از مرحله تصمیم‌سازی و فرایند اجرا و حتی پس از آن، فاقد رویکرد ارزیابانه و انتقادی هستند. چنان‌که اذعان می‌کنم، سیاست‌های اجتماعی نیم‌بند موجود نیز بدون ارزیابی و ارزشیابی علمی و کارشناسانه در فضایی تهی از گفتمان سیاست اجتماعی، در عمل با «رهاشدگی» روبه‌رو هستند.

می‌خواهم تأکید کنم از یک سو نظم و انسجام اجتماعی، امنیت ملی، ارتقای عملکرد اقتصادی و بهبود توان رقابت اقتصاد ملی تابعی از جهت‌گیری دولت‌های ملی نسبت به سیاست اجتماعی است و از سوی دیگر، توجه به حل مسائل اجتماعی نیازمند تغییر اساسی دیدگاه دولتمردان در نگاه به انسان و نیازهای او و ضرورت تغییر در رویکرد یک‌سونگرانه و از بالا به پایین به نیازهای اجتماعی و مسائل اجتماعی است و این در پرتو پیوند میان آموزش، پژوهش و سیاست‌گذاری امکان‌پذیر است و از نیازهای فعلی جوامعی تلقی می‌شود که سیاست‌گذاری در آنها مبتنی بر دانایی است.

نگاه

مرگ عقل به دست عقل

یاسین آذریان . جامعه‌شناس

● سرمایه‌داری، مدرنیته و شاخص‌های وابسته به آن از سویی و نیز بعد منفعت‌طلبی انسان از سوی دیگر، زمینه را برای کاربرد مکرر عقلانیت ابزاری در جوامع امروزی ایجاد کرده است. اگر بازتاب این کاربرد و اگزیستانسیالیسمی (وجود مقدم بر ماهیت - ماهیتی که بر اساس عقلانیت ابزاری ساخته و پرورانده می‌شود) که تحت تأثیر آن شکل گرفته را بر انسان در نظر بگیریم، در می‌یابیم که اثرات پیچیده و در مواردی نیز پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری برای هویت انسان و جامعه بر جای گذاشته است.

همین امر پرسش مهم درباره چیستی انسان را مطرح می‌کند؛ اینکه انسان چه کسی است؟ و در این بستر به چه کسی بدل می‌شود؟

عالم هستی به سه عالم ماده، مثال و عقل تقسیم می‌شود. موجودات عالم ماده نیاز به اثبات ندارند، زیرا آنچه ما در اطراف خود به وسیله یکی از حواس حس می‌کنیم، از همین عالم محسوب می‌شود اما موجودات عالم مثال صورت‌های بدون ماده (وجودهای ادراکی) هستند که توسط نفس برانگیخته می‌شوند. انسان بعد از سپری‌کردن مقداری از دوران کودکی، به مرتبه‌ای از مراتب شکل‌گیری نفس می‌رسد که می‌تواند وارد عالم مثال شود و صورت‌های حسی بدون ماده از او صادر شود. افعالی مانند اندیشه، اراده، انتخاب، آرزو، عشق و... در این گروه قرار دارند. اما عالم عقل که سرمنشأ هستی است نگه‌دارنده و کنترل‌کننده نفس است.

انسان جهان کوچکی است که همان مراتب جهان بزرگ را در خود جمع کرده است. لایه بیرونی مراتب انسان همان جسم و بدن اوست، لایه میانی روح او و پایین‌ترین لایه، نفس انسان است. روح به وسیله قوای نفس در اعضای بدن جریان پیدا کرده و آنها را به حرکت درمی‌آورد. روح نقش رابط بین بدن و نفس را بازی می‌کند. انسان در میان همه موجودات حائز این ویژگی است که این سه عالم را با حفظ و بقای خود دارد. در آغاز، هستی طبیعی انسان شکل می‌گیرد، سپس هستی نفسانی او و سرانجام، هستی عقلی آخرین مرتبه وجودی انسان را رقم می‌زند که در واقع کنترل‌کننده نفس است. با این توصیف درباره انسان و با درنظرگرفتن جوامع امروزی و شرایط حاکم بر آن، عقلی که کنترل‌کننده نفس است با چه هویت و کنشی شناخته می‌شود؟ عقل ابزاری یا عقل ذاتی؟

«عقلانیت ابزاری» شایع‌ترین نوع عقلانیت در جوامع امروزی است. این عقلانیت ناظر بر کنشی است که از طریق حسابگری‌های خودخواهانه برای کسب موفقیت در کنش‌های افراد مختلف، با موقعیت‌های اجتماعی و هویتی متفاوت مانند: کارگر، کارمند، مدیر، متفکر، هنرمند و... بروز می‌کند. در این نوع از عقلانیت، عقل نقش نوعی ماشین محاسبه برای میزان سودمندی و ضرر و زیان ناشی از یک عمل را بازی می‌کند. اخلاقی که از این عقلانیت ساطع می‌شود اخلاق مبتنی بر اصالت نفع است. اما در مقابل آن «عقلانیت ذاتی» است که مسئله انتخاب یا گزینش اهداف را در چارچوب نظام ارزشی مطرح می‌کند تا کنش‌ها و اعمال از این طریق بروز یابند.

مثلا در اخلاق عموما تصور می‌شود دروغ‌گفتن بد و راستگویی خوب است اما از منظر «جهان‌بینی زندگی» و «عقلانیت ابزاری» می‌تواند متفاوت باشد: افراد برای رسیدن به اهداف مطلوب و مورد تأیید جامعه از عقل (عقل ابزاری) به عنوان وسیله‌ای کارآمد برای هر چه زودتر رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۳

جدول ۳۵۰۶ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مفیدبودن- بین مج و آرنج ۲- اصل هر چیز- امانتداران- هنگام خداحافظی شبانه گفته می‌شود ۳- ثروتمند معاصر موسی(ع)- رمانی درباره واقعه عاشورا نوشته صادق کرمیار- آب‌بند ۴- اما- عماد- برده ۵- دوستی- واحد پول عمان- زمین آماده کشت ۶- پاداش- عبادتگاه مسلمانان- مسابقه اتومبیل‌رانی ۷- مربوط به ادبیات- دارای نقش و نگار- هدف ۸- از مطهرات- ریشه در آداب و رسوم قدیم دارد- خداحافظی- روستا ۹- شجر- عطاکردن- کنار ۱۰- تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار- سرشماری- ماندگاری ۱۱- لیکن- از نام‌های بهشت- قوم مغول ۱۲- تازه ساخته شده- جست‌وجو- صورت اسامی ۱۳- شالوده- مقاومت متغیر سه سر- معاینه پزشکی ۱۴- برمه پیشین- قدرت- ضمیر حداقل دو نفره ۱۵- کجاوه- بازیگر خانم فیلم شاه کش (در حال اکران).

عمودی:

۱- شیرینی لوزی- کیفرخواست ۲- خواهر اسفندیار- ظالم و ستمگر- آقای فرانسوی ۳- شکستنش افتخار است- آسیایی که با نیروی چارپایان می‌گردد- نام ترکی ۴- شهری در شهرستان کاشان- شهرستانی در هرمزگان- طرز قرار گرفتن بازیکنان یک تیم در زمین مسابقه ۵- پهنه دشت- امانت دار- پروتئین سلول زنده ۶- انبار کشتی- یک‌ششم- دنباله‌رو- نوعی تسهیلات بانکی ۷- خودروی باربری کوچک- همگی- پیوسته ۸- مقابل بردن- سخن بیهوده و گزاف ۹- عداوت- استحکام- لازم ۱۰- پیغمبر- نخست‌زاده- فرمان تیراندازی- طمع ۱۱- فاش‌شده- نوعی اثر موسیقایی شاد و سرگرم‌کننده- پشت سر ۱۲- در بازار بورس معامله می‌شود- کتابی آموزشی در فقه امامیه- رشته‌ای از پوست گیاه ۱۳- برادر عرب- سزاوار- سرشار ۱۴- مسیحی- شهری در استان یزد- چهره ۱۵- آن که رنج و سختی‌های فراوان دیده است- نوعی مخفی شدن نظامی.

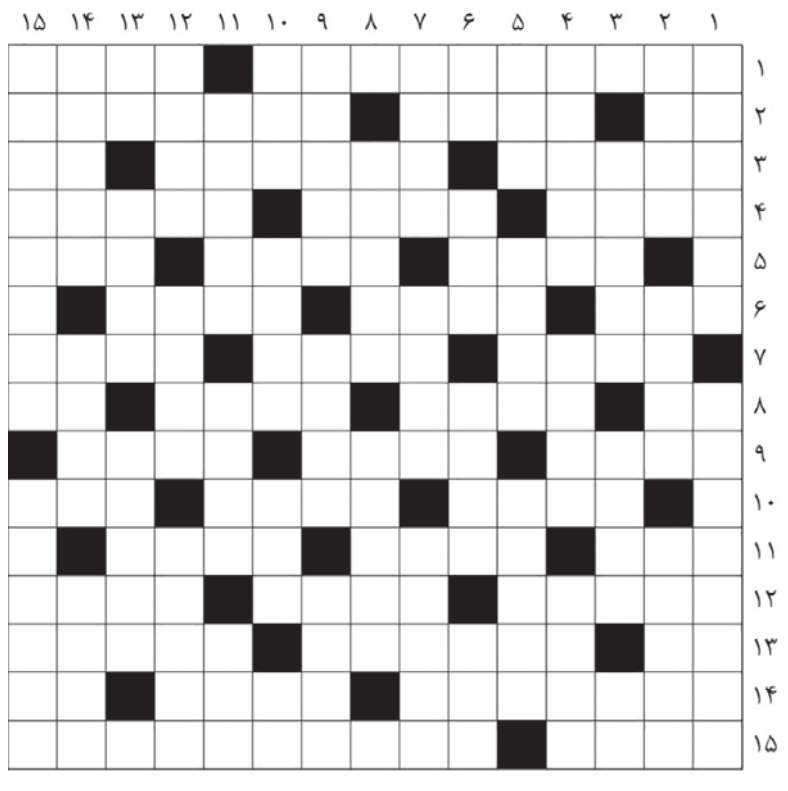

حل سودوکو سخت

۴	۷	۶	۹	۸	۳	۵	۲	۱
۵	۲	۹	۱	۴	۷	۳	۶	۸
۱	۳	۸	۵	۶	۲	۴	۷	۹
۲	۱	۳	۴	۹	۶	۸	۵	۷
۸	۵	۴	۲	۷	۱	۶	۹	۳
۶	۹	۷	۳	۵	۸	۱	۴	۲
۳	۴	۵	۷	۱	۹	۲	۸	۶
۹	۶	۲	۸	۳	۵	۷	۱	۴
۷	۸	۱	۶	۲	۴	۹	۳	۵

حل سودوکو ۲۵۰۱

۸	۲	۹	۷	۴	۵	۱	۶	۳
۱	۵	۳	۹	۶	۸	۷	۲	۴
۷	۴	۶	۱	۳	۲	۵	۸	۹
۶	۹	۵	۳	۲	۷	۴	۱	۸
۳	۷	۴	۸	۵	۱	۲	۹	۶
۲	۱	۸	۶	۹	۴	۳	۵	۷
۹	۳	۱	۲	۷	۶	۸	۴	۵
۴	۶	۲	۵	۸	۳	۹	۷	۱
۵	۸	۷	۴	۱	۹	۶	۳	۲

جدول ۳۵۰۵

سودوکو سخت ۲۵۰۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸		۱		۴	۳			
۹	۲					۳		
				۱			۲	۶
			۸				۹	۴
۵				۹				۲
۴	۹				۲			
۳	۵			۸				
		۸					۵	۳
			۵	۳		۶		۸

سودوکو ساده ۲۵۰۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۴				۳			۵	
۷	۳		۹		۸			
		۵	۴			۱		
۲			۸			۹		
		۸	۶	۹	۵	۴		
		۶			۲			۸
		۲			۹	۵		
			۵		۶		۸	۴
	۸			۱				۲